مرد مشهدی آرزو داشت پدر شود

گفت‌وگو با خریدار و فروشنده نوزاد ۷ میلیون تومانی

گروه حوادث: مرد جوان که در رویای پدر شدن بود از مشهد به تهران آمد تا یک نوزاد را بخرد اما در بیمارستان دستگیر شد.

فریدون مرد ۳۳ ساله که کارگر یک معدن در مشهد است با حقوق کم و زندگی کارگری ۲۰ سال در رویای پدر شدن بود و بارها به دکترهای مختلف برای حل مشکلش مراجعه کرد اما جوابی نگرفت و چون این مشکل از سوی خودش است بارها از سوی اطرافیانش زیر سوال رفت و گاهی با همسرش دچار اختلاف شد. روزها گذشت تا این که اوایل امسال یک زن جوان به نام راحله در جریان مشکلات فریدون و همسرش بود خبری وسوسه‌انگیز به آن‌ها داد. راحله می‌دانست که فریدون و همسرش صاحب فرزند نمی‌شوند و ادعا کرد با پرداخت پول می‌توانند به زودی صاحب یک فرزند شوند.

فریدون با شنیدن این خبر شوکه شد از آن جایی که از کنایه‌های اطرافیانش خسته شده بود با مشورت با همسرش پذیرفت تا این پیشنهاد میلیونی را برای رسیدن به آرزوی بچه‌دار شدن اجرا کند.

■ **پدر ۷ میلیونی**

راحله از یک مرد افیونی شنیده بود زن جوانی که اعتیاد به مواد مخدر دارد باردار است اما چون پدر فرزندش نیست، توانایی پرداخت هزینه بیمارستان برای زایمان و بزرگ کردن نوزادش را ندارد و حاضر است در ازای دریافت پول نوزادش را بعد از زایمان در اختیار یک خانواده دیگر قرار دهد.

راحله و مرد افیونی سناریوی خرید و فروش نوزاد را در تهران طراحی کردند و با توجه به این که از شرایط مالی بد فریدون با خبر بودند وزن افیونی نیز نیاز به پول داشت تصمیم گرفتند با دریافت هفت میلیون تومان این معامله را انجام دهند.

فریدون وقتی شنید برای دریافت نوزاد هفت میلیون تومان باید پرداخت کند شروع به جمع کردن پول و قرض گرفتن از اطرافیانش کرد و توانست پس از سه ماه پول درخواستی را تهیه کند. نخستین روزهای تیرامسال بود که با فریدون تماس گرفته شد تا پول را در اختیار راحله قرار دهد و با پرداخت هزینه بیمارستان و پس از تولد نوزاد به صورت قانونی بچه را در اختیار وی قرار دهند. فریدون لحظه شماری می‌کرد تا این که مرد جوان که دلال این ماجرای نوزاد فروشی بود با فریدون تماس گرفت و خواست تا از مشهد به تهران بیاید و دفترچه بیمه و شناسنامه همسرش نیز همراهش باشد.

■ **بازداشت در بیمارستان**

فریدون روز یک‌شنبه ۹ تیرماه امسال سوار بر اتوبوس از مشهد به تهران رسید و در ترمینال جنوب منتظر ماند تا مرد دلال که نورا... نام داشت با او تماس گرفت و سوار بر خودرو به دنبالش رفت. همسر فریدون در مشهد منتظر بود تا شوهرش با نوزادشان به خانه بازگردد و فریدون برای این که فرزندش را در آغوش بگیرد لحظه شماری می‌کرد. نورا... و فریدون به بیمارستان رفتند و این در حالی بود که راحله هفت میلیون تومان پول را گرفته بود و فریدون قرار بود با پرداخت هزینه‌های بیمارستان نوزاد را تحویل بگیرد.

مادر بچه که هفته قبل فرزندش را به دنیا آورده بود از بیمارستان ترخیص شد اما نوزادش به دلیل حال بدی که داشت در بیمارستان تحت نظر بود.

مادر نوزاد دفترچه زن فریدون را تحویل گرفت و عکس خودش را به جای تصویر زن فریدون قرار داد و به قسمت اداری رفت و پس از آن فریدون را به عنوان همسر خودش معرفی کرد و از او خواست تا هزینه‌های ترخیص و درمان فرزندش را انجام دهد و سپس ناپدید شد.

فریدون که فکر می‌کرد همه نقشه این افراد قانونی است و می‌تواند پس از تحویل گرفتن نوزاد برای او شناسنامه بگیرد منتظر بود تا هزینه زایمان با دفترچه بیمه محاسبه شود که قسمت اداری متوجه جعل دفترچه بیمه شد و ماجرا را به ماموران پلیس گزارش کرد.

بدین ترتیب ماموران کلانتری ۱۱۶ مولوی در محل حاضر شدند و فریدون را دستگیر کردند و در این صحنه نورا... نیز که جلوی در بیمارستان منتظر فریدون و نوزاد تازه متولد شده بود، بازداشت شد.

گفت‌وگو با پدر ۷ میلیونی

فریدون ۳۳ ساله که کارگر معدن است با هزار دلخوشی و آرزو به تهران آمد تا یک نوزاد بخرد و با خود به شهرشان ببرد اما به جرم خرید نوزاد و جعل در دفترچه بیمه همسرش دستگیر شد.

■ **شغل؟**

کارگر معدن هستم.

■ **حقوق؟**

با ۱۳ سال سابقه کار و ۱۲ ساعت کار در معدن ماهیانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم.

■ **به چه جرمی دستگیر شدی؟**

جعل دفترچه و خرید نوزاد.

■ **چقدر پول برای خرید بچه پرداخت کردی؟**

هفت میلیون تومان.

■ **از کجا تهیه کردی؟**

از سه ماه قبل پول جمع کردم و از اطرافیانم قرض گرفتم.

■ **می‌دانستی این کاری که می‌کنی جرم است؟**

نه. قرار نبود دفترچه بیمه همسرم را دستکاری کنند.

■ **اطلاع نداشتی عکس همسرت را با مادر بچه جابه‌جا کردند؟**

نه، به من گفته بودند که هیچ کار خلافی نمی‌کنند و به صورت قانونی بچه را در اختیار من قرار می‌دهند.

■ **چطور از ماجرای فروش بچه با خبر شدی؟**

راحله را از قدیم می‌شناختم ماجرای فروش بچه را مطرح و مرا با نورا... آشنا کرد و گفتند بچه را با پرداخت پول تحویل من می‌دهند که من از مشهد به تهران آمدم و در ترمینال نورا... به دنبالم آمد و با هم به بیمارستان آمدیم که دفترچه بیمه را از من گرفتند و بعد از آن بود که دستگیر شدم.

■ **همسرت از ماجرای خرید بچه اطلاع داشت؟**

همسرم با خبر بود.

■ **چرا از بهزیستی بچه تحویل نگرفتی؟**

باید ثروت و خانه داشته باشم تا بهزیستی سرپرستی یک بچه را در اختیار ما قرار دهد اما من مستاجر و یک کارگر هستم.

■ **برای درمان به پزشک مراجعه کردی؟**

بله، ۴۰ میلیون تومان هزینه کردم اما نتیجه‌ای نداشت حتی، به خاطر همین موضوع با هم اختلافات زیادی پیدا کردیم.

■ **ارزشش را داشت یک نوزاد به صورت غیرقانونی بخری؟**

من حاضرم برای بچه‌دار شدن خون و جانم را بدهم.

■ **چطور؟**

من به خاطر این که صاحب فرزند نمی‌شوم طعنه‌های زیادی می‌شنوم، شما نمی‌دانید ارزش یک بچه چقدر برای من زیاد است، حاضرم هر کاری کنم که صاحب یک فرزند شوم.

گفت‌وگو با فروشنده یک نوزاد

نورا... ۵۸ ساله که پنج فرزندش به دلیل بیماری ژنتیکی فوت کردند ادعا می‌کند من اطلاع نداشتم که دفترچه بیمه را جعل کرده‌اند و هیچ پولی از این معامله به من نرسیده است.

■ **ازدواج کردی؟**

بله، صاحب هشت بچه شدم که پنج تن از آن‌ها به خاطر بیماری ژنتیکی در دو و سه سالگی فوت کردند.

■ **چرا؟**

من و همسرم دختر عمه و پسردایی هستیم و به خاطر هم ژن بودن بچه‌هایم دچار بیماری‌های خاص می‌شدند که کلیه‌هاشان بزرگ می‌شد و سپس فوت می‌کردند.

■ **چطور با فریدون آشنا شدی؟**

از طریق راحله.

■ **قرار بود بچه را بفروشی؟**

بله، اما هنوز هیچ پولی به من نرسیده است.

■ **مادر نوزاد را می‌شناسی؟**

بله، من به خانه یکی از دوستانم می‌رفتم و با هم مواد می‌کشیدیم که مادر بچه را که باردار بود در آن جا دیدم که یک روز ادعا کرد هشت ماه است که باردار شده و قصد دارد فرزندش را سقط کند چون پول زایمان و نگهداری بچه را ندارد.

■ **چطور به فکر دلالی افتادی؟**

من با ماشین مسافرکشی می‌کنم که با راحله آشنا شدم و او ادعا کرد که یک خانواده در مشهد هستند که ۲۰ سال است بچه‌دار نمی‌شوند که همان جا ماجرای زن جوان را مطرح کردم و قرار شد بچه را به آن‌ها بفروشیم.

■ **مادر بچه هم اعتیاد داشت؟**

بله، شب‌ها در کمپ می‌خوابید و برای کار نظافت به خانه دوستم می‌آمد.

■ **پدر بچه را می‌شناسی؟**

نه.

■ **پول را چه کسی تحویل گرفت؟**

راحله پول را گرفت و قرار بود پس از پرداخت هزینه بیمارستان و ترخیص یک سهمی از آن پول به من بپردازد که دستگیر شدیم.

■ **راحله فرار کرده؟**

نه، به شهرستان رفته است و از ماجرای دستگیری ما خبر ندارد؟

■ **مادر بچه کجاست؟**

او ترخیص شده بود و ما برای تحویل گرفتن بچه به بیمارستان رفتیم که فهمیدم دفترچه بیمه زن فریدون دستکاری شده و ما دستگیر شدیم.

■ **نوزاد تازه متولد شده در بیمارستان است؟**

بله، چون مادر بچه اعتیاد داشته بچه ناقص است و در بیمارستان بستری است و احتمال دارد فوت کند.

■ **می‌دانی کاری که کردی جرم است؟**

بله، ولی از ماجرای جعل خبر نداشتم.

■ **چطور؟**

ما دفترچه را به مادر بچه دادیم تا کارها را انجام دهد و بچه را ترخیص کند اما اطلاع نداشتم که عکس را تغییر داده است، روز یک‌شنبه ما برای تحویل گرفتن بچه به بیمارستان رفتیم که دستگیر شدیم.

بنا بر این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران قرار گرفته‌اند.

تحلیل کارشناس

دکتر ابراهیم اندرخورا، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه| خانواده یک واحد زیستی است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است که افراد دارای رابطه سببی یا نسبی هستند. خانواده نخستین نهاد اجتماعی و فرهنگی است که ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود را دارد. احساس هویت انسان دارای دو رکن اصلی است حس تعلق و حس مجزا بودن که خانواده با این دو کارکرد شکل می‌گیرد.

بعد از ازدواج فرزندآوری و فرزندپروری مقوله مهمی در خانواده می‌شود. حضور فرزند سبب توسعه و تعالی و گسترش ارتباطات انسانی می‌شود. والدین تامین کننده نیازهای روحی و روانی فرزندان هستند و عامل شکل‌گیری کمال فرزند به شمار می‌روند. برخی از خانواده‌ها به دلایل مختلف صاحب فرزند نمی‌شوند و عوامل روانی، فیزیکی و محیطی نیز در این باره دخیل است.

این قبیل خانواده‌ها که صاحب فرزند نمی‌شوند به جای طی کردن مراحل طبیعی از طریق بهزیستی اقدام به فرزندآوری به شیوه‌های نادرست می‌کنند و این مسئله پرآسیب‌ترین روش غیرقانونی برای صاحب فرزند شدن است. این قبیل فرزندان در این خانواده‌ها برای شناسایی هویت خود دچار مشکل می‌شوند و از نظر عاطفی آسیب‌های متعددی را تجربه می‌کنند. برخی از این فرزندان وقتی متوجه می‌شوند پدر و مادرشان واقعی نیستند دچار عقده حقارت شده و به دلیل بی‌هویتی شان بیشترین آسیب‌های اجتماعی به آن‌ها تحمیل می‌شود. وقتی پایه حضور در نظام خانواده بر اساس دروغ، فریب و انجام فعالیت‌های غیراخلاقی باشد به طور قطع خانواده باید منتظر عواقب و مشکلاتی نیز باشد. در خانواده‌هایی که هرگز شفافیت در آن وجود ندارد و والدین رازی را پنهان می‌کنند عذاب فراوانی می‌کشند زیرا در صورت افشا شدن راز از فرزندان بی‌گناه احساس تعلق به والدین را از دست داده و کارکردهای خانوادگی نابود می‌شود قطعا این چرخه برای فرزندان آسیب‌های زیادی به همراه دارد و توصیه می‌شود نظام خانواده بر اساس صداقت و وفاداری شکل بگیرد.

قاتل افسر پلیس در یک قدمی چوبه دار

حکم قصاص قاتل افسر پلیس دیروز در دیوان عالی کشور تایید شد. ساعت ۸ شامگاه بیست و هشتم مهر ۹۳ سروان محمد جلالی کاشانی که از ماموران کلانتری مرزداران تهران بود هنگام گشت زنی در حاشیه و فضای سبز بزرگراه حکیم هدف گلوله یک فروشنده مواد مخدر قرار گرفت و به شهادت رسید. سه ماه بعد و روز ۳۰ دی‌ماه پلیس قاتل فراری به نام موسی را که به خانه پدری اش در ملک آباد کرج رفته بود، دستگیر کرد. موسی ادعای بی گناهی کرد اما دختر و پسر جوانی شاهد این جنایت بودند و با اظهارات خود و با شناسایی چهره موسی برای این مرد افیونی کیفرخواست صادر شد. موسی در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. این قاتل گفت: پسردایی ام مواد فروش است. او روزانه ۵۰ هزار تومان به من می‌داد تا در فضای سبز حاشیه اتوبان حکیم که پاتوق معتادان و خریداران مواد مخدر است کشیک بدهم و مراقب اوضاع باشم. من تحت فشار روانی به شلیک به مامور پلیس اعتراف کرده بودم اما حالا می‌گویم بی گناهم. در پایان جلسه، قضات دادگاه موسی را به قصاص محکوم کردند که این حکم ابتدا تایید نشد تا این که پس از محاکمه دوباره و صدور حکم قصاص از سوی دادگاه هم عرض این حکم روز گذشته در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

۹ دلیل برای اثبات جنایت در ماجرای جسد زنانه در گونی مرگ

معمای جسد رها شده زن جوان در شهرک کاپولای تهران سناریوی مرموزی را پیش روی ماموران قرار داد. شش ماه بعد کارآگاهان با ۹ دلیل جنایی، شوهر این زن را همسر کش شناختند. ساعت ۱۳:۳۰ آخرین روز آذر سال گذشته دو مرد در خیابان دستواره و در نزدیکی شهرک کاپولا به سراغ ماموران گشت پلیس رفتند و از ماجرای پیدا شدن جسد یک زن داخل گونی خبر دادند. بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس آگاهی تهران همراه با بازپرس جنایی در محل حاضر شدند و دیدند جسد زنی دست و پاهایش بسته شده و با ضربات سنگین به سرش کشته شده بود. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این که خیلی زود ماموران موفق شدند جسد زن جوان را شناسایی کنند و همین کافی بود تا کارآگاهان در گام بعدی برای دستگیری عامل این جنایت وارد عمل شوند. تجسس‌ها کافی بود تا با گذشت شش ماه کارآگاهان با توجه به سرنخ‌های به دست آمده اطمینان پیدا کنند که عامل این جنایت، شوهر زن جوان است.

■ **۹ دلیل برای اثبات یک قتل**

صبح روز گذشته شوهر زن جوان که یک خیاط است در دادسرای امور جنایی تهران مقابل بازپرس پرونده و در حالی که اصرار داشت در ماجرای قتل شوهرش بی گناه است در برابر ۹ دلیل جنایی قرار گرفت.

نخستین دلیل برای اثبات جرم: جسد زن جوان در یک پتو پیچیده شده بود که خواهر مقتول در اظهاراتش به ماموران فاش کرد از این مدل پتو داخل خانه خواهرم دو عدد بوده که یکی از آن‌ها بعد از ماجرای قتل خواهرم ناپدید شده است که در بررسی‌ها مشخص شد همان پتوی پیچیده شده دور جسد است.

دومین دلیل: دست و پاهای جسد زن جوان با تکه پارچه‌هایی بسته شده بود که از آن نوع پارچه در پشت بام خانه زن جوان که شوهرش خیاط است وجود داشت.

سومین دلیل: شوهر قربانی جنایت پس از دستگیری ادعا کرده که هیچ اختلافی با همسرش نداشته و با وجود یک فرزند که دانشجوی پزشکی است به خاطر رابطه خوبی که با همسرش داشته قصد بچه‌دار شدن داشتند در حالی که همسایه‌ها از اختلافات و درگیری بین این زوج خبر داده‌اند.

چهارمین دلیل: خراشیدگی روی بدن جسد زن جوان وجود دارد که شبیه به آثار ضرباتی با ابزار خیاطی شوهر قربانی است.

پنجمین دلیل: روی بدن مرد جوان نیز آثار خراشیدگی و بریدگی‌هایی وجود دارد که ادعا می‌کند در زمان کار خیاطی این خراشیدگی‌ها رخ داده اما آثار به جا مانده حاکی از ضربات چاقوست.

ششمین دلیل: در حالی که مرد جوان اهل انجام کارهای خانه نیست، همسایه‌ها بیان کردند که مرد جوان در یک روز بارها اقدام به شستن حیاط خانه کرده است که این مرد در اظهاراتش اظهار کرده که چون خواهرزنم مهمان داشت من برای نظافت خانه حیاط را شستم که ماموران احتمال می‌دهند برای از بین رفتن محل خون اقدام به شستن حیاط خانه کرده است.

هفتمین دلیل: موبایل، کلید خانه و گل سرزن جوان در حالی داخل خانه پیدا شده که شوهرش بیان کرده همسرم برای خرید دارو از خانه خارج شده بود.

هشتمین دلیل: مرد جوان ادعا کرده همسرم برای خرید دارو از خانه خارج شد و دیگر بازنگشته است اما داخل خانه داروهایی پیدا شد که به تازگی خریداری شده بود.

نهمین دلیل: داخل خانه لکه‌های خون دیده شده است که آزمایش‌های DNA نشان از خون زن جوان دارد اما مرد جوان ادعا می‌کند که آثار خون برای خودش است.

م/۹۸۰۴۲۵۳۱